

## شبه عمد و در حکم شبه عمد در قانون مجازات اسلامی

### مقدمه:

عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب و یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شد حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود.»

با توجه به بند ب و تبصره سه ماده ۲۹۵ معلوم می‌شود قانونگذار جمهوری اسلامی ابتدا در بیان شبه‌عمد به معنی خاص اصطلاحی آن در بند ب برآمده و آن‌گاه در تبصره سه متعرض قتل یا صدمه در حکم شبه‌عمد گردیده است. در این مختصر سعی بر این است مقصود قانونگذار از این دو وجه و اختلاف آنها دانسته شود. با توجه به اینکه طایق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه قوانین باید براساس موازین اسلامی باشد و به موجب اصل ۱۶۷<sup>(۱)</sup> همان قانون

یکی از مواردی که پرداخت دیه از ناحیه مرتکب قتل و ایراد صدمات بدنی الزامی است بند (ب) ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می‌باشد. به موجب این بند: «قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطا شبیه‌عمد واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تأدیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیعی مباشرتاً بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود.»  
به موجب تبصره سه ماده مرقوم «هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و

(۱) - اصل ۱۶۷ قانون اساسی: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیاید و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

قاضی در صورت سکوت قانون ملزم به مراجعه به فتاوی معتبر فقهی است. برای شناخت منظور شارع مقدس از اصطلاح «شبه عمد» یا «خطأ شبیه عمد» ناگزیریم به بعض منابع فقهی موجود اشاره‌ای داشته باشیم:

۱- مرحوم صاحب جواهر در تعیین ضابطه شبه عمد فرموده‌اند: «ضابطه شبه عمد آن است که عمد در فعل بصورت ایراد برای تأدیب یا مزاح و امثال آن بدون اراده قتل وجود داشته باشد» و در بیان مصادیق آن به معالجه طبیب که منجر به مرگ شود، ایراد ضرب به عدوان با فعلی که غالباً کشنده نیست اشاره نموده‌اند و بالاخره چنین نتیجه گرفته‌اند که ضابطه شبه عمد «عمد در فعل و خطای در نتیجه» است.<sup>(۱)</sup>

۲- مرحوم آیتا... خوئی در بیان مصداق شبه عمد بیان داشته‌اند.

«و اما اگر [مرتکب] قصد قتل نداشته باشد و فعل انجام شده عادتاً کشنده نباشد مانند اینکه با چوب یا ریگ دیگری را مورد ضرب قرار دهد و سبب مرگ شود از موجبات قصاص نیست»<sup>(۲)</sup>

با توجه به کلام فقهای عظام و بند ب ماده ۲۹۵ و مثالهایی که در تعریف شبه عمد آورده‌اند می‌توان قتل یا ضرب یا جرح شبه عمد را به دو نوع مشخص تقسیم کرد:

الف: شبه عمد با وجود عمد و عدوان در ایراد صدمه.  
بدون عدوان.

ب: شبه عمد با وجود عمد در ایراد صدمه که یسه بیان مختصر این دو نوع می‌پردازیم:

### بخش یکم:

#### «شبه عمد»

با عنایت به مطالب فوق در مورد قسمت «الف» دو مطلب قابل توجه است

۱- عمد در ضرب و جرح بدون خواست نتیجه موجود است

۲- امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله چنین بیان فرموده‌اند:

«شبه عمد آن است که مرتکب بدون قصد قتل در کاری که غالباً کشنده نیست قاصد باشد مانند اینکه برای تأدیب یا شلاق و مثل آن ایراد ضرب وارد کند و موجب قتل شود یا پزشک مباشر در علاج که عملش اتفاقاً موجب قتل شود و ضارب که بدون قصد قتل به

(۱) - شیخ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، جلد ۴۲، صفحه سه، چاپ ششم، کتابخانه اسلامی تهران.

(۲) - امام خمینی (ره) تحریرالوسیله، جلد دوم، کتاب دیات، مسئله ۵ - چاپ نجف - بدون سال انتشار.

(۳) - آیت الله سیدابوالقاسم خوئی - میانی تکملة المنهاج، جلد دوم، صفحه ۴، کتابفروشی علمیه قم ۱۳۹۶ هـ.ق.

۲- ایراد ضرب جنبه عدوانی دارد

مثال: شخصی در حین نزاع با مشت ضربه خفیفی بصورت دیگری وارد می‌آورد ضربه وارده موجب می‌شود شخص به زمین افتد و به خاطر اصابت سر به زمین دچار خونریزی مغزی می‌شود و فوت می‌کند در این مثال ضارب قصد قتل نداشته است، ضربه‌ای که وارد آورده، کشنده نبوده است. اتفاقاً موجب عدم تعادل مجنی‌علیه شده و بزمین خورده بر اثر خونریزی مغزی فوت کرده است این مورد مصداق شبه‌عمد است و مرتکب باید دیه قتل نفس را به ورثه مقتول بپردازد.

با توجه به مطلب ذکر شده در قسمت ب نیز دو مطلب باید مورد توجه قرار گیرد.

اولاً عمد در ضرب و جرح بدون خواست نتیجه موجود است، ثانیاً ضرب یا جرح عدوانی نیست این هر دو قسمت در شرط اول «عمد در ضرب و جرح بدون خواست نتیجه» مشترک هستند و در شرط دوم «عدوانی بودن ضرب» با هم اختلاف دارند.

مثال دو دوست با همدیگر مزاح می‌کنند یکی از ایشان در حین شوخی ضربه‌ای به پشت سر دوستش می‌زند، این ضربه اتفاقاً منجر به خونریزی مغزی می‌شود و مجنی‌علیه فوت می‌کند مثال دیگر پدری به طور متعارف

فرزندش را تأدیب می‌کند اتفاقاً ضربه خفیف او موجب مرگ فرزند می‌شود.

مثال سوم طبیب برای بهبودی بیمار مبادرت به عمل جراحی می‌کند عمل هم صحیح انجام می‌شود اتفاقاً موجب مرگ بیمار می‌شود. در تمام مثالهای ذکر شده پرداخت دیه به عهده مزاح‌کننده، تأدیب‌کننده، و پزشک معالج است و قتل شبه‌عمد محسوب می‌شود. بنابراین با توجه به موارد ذکر شده در این قسمت به رغم اینکه تأدیب، علاج و مزاح در حد متعارف خویش هیچ‌کدام چه از نظر قانون وجه از نظر شرع منع نشده‌اند ولی شارع، مرتکب را ملزم به پرداخت دیه کرده است، یکی از این موارد ضمان طبیب است. که برای روشن شدن مطلب به کلام فقها در مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف: مرحوم صاحب جواهر طبیب را چه در صورت تقصیر وجه در صورت عدم تقصیر ضامن پرداخت دیه می‌دانند و تنها راه برای عدم پرداخت دیه از نظر ایشان این است که طبیب قبل از علاج از مجنی‌علیه یا ولی او براثت حاصل کند.<sup>(۱)</sup>

ب) امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله بدون اینکه به عدم تقصیر طبیب اشاره‌ای داشته باشند وی را ضامن پرداخت دیه از مال

شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان براءت حاصل نماید عهده‌دار خسارت پدید آمده نخواهد بود»

علت تشریح این احکام که حاکی از نوعی ضمانت بدون تقصیر است حرمت خون مسلمان است که در اسلام اهمیت فراوانی داراست و علاوه بر نصوص قرآنی در روایات منقول از معصومین نیز وارد شده است با توجه به احادیث وارده در تبیین علت حکم ضمان طبیب و مانند آن معمولاً به جملات زیر برخورد می‌کنیم:

«لِثَلَا يُبْطِلُ دَمَ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ» و یا «أَنَّه لَا يُبْطِلُ دَمَ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ» و یا «لَا يَذْهَبُ دَمَ امْرَأَةٍ مُسْلِمٍ هَدْرًا» که همگی دلالت بر اهمیت دماء مسلمین از نظر شارع دارد. این حرمت به اندازه‌ای اهمیت داشته که در مبحث لوث و قسامه برخلاف قاعده مشهور لزو ارائه بینه

بوسیله مدعی و اتیان سوگند توسط منکر (۲) سوگند خوردن را در اختیار مدعی قرار داده است که می‌تواند با پنجاه قسم به شرط وجود شرایط قسامه موجبات قصاص متهم را فراهم سازد.

بعضی از دانشمندان در مورد ضمان طبیب به قاعده احسان تمسک جستند و فرموده‌اند:

خویش دانسته‌اند و در صورت اخذ براءت از مریض یا ولی او ضمان را برقرار نمی‌دانند. (۱)  
ج) مرحوم آیتا... خوئی در این خصوص چنین بیان داشته‌اند، طبییی که مجنون یا طفل را بدون اذن ولی او یا شخص بالغ و عاقل را بدون اجازه او معالجه کند ضامن عضوی که با کارش تلف شده می‌باشد. و همچنین اگر عمل با اجازه باشد به شرط تقصیر ضامن است ولی اگر با اذن مریض به علاج پردازد و مقصر هم نباشد اقرب به قواعد فقه این است که ضامن است زیرا اذن در علاج بوده و در تلف انسی وجود نداشته است. (۲)

همانطور که قبلاً اشاره کردیم حقوق فعلی ایران از حقوق اسلامی و کلام فقها شدیداً متأثر است و در خصوص مورد ذکر شده ماده ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است:

«هرگاه طبییی گرچه حائز و متخصص باشد در معالجه‌هایی که مشخصاً انجام می‌دهد یا دستور آنرا صادر می‌کند هرچند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است»

و برطبق ماده ۳۲۲ همان قانون:

«هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از

(۱) - امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله - جلد دوم - مسئله چهارم، چاپ نجف، بدون سال انتشار.

(۲) - آیت الله خوئی، میانی تکملة المتهاج، جلد دوم، صفحه ۲۲۱.

(۳) - النبیة علی المدعی والتمین علی من انکر.

شود جنایت او به منزله محض بوده و عاقله او عهده‌دار خواهد بود» و به موجب ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی:

«هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد قصاص نمی‌شود فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد» با توجه به این دو ماده و صرف‌نظر از اینکه مواد فوق از نظر تممیل دیه بر شخص قاتل و یا عاقله او معارض به نظر می‌رسند به هر حال قانونگذار به تبعیت از فقه امامیه، حتی شخصی را که در خواب است و عملش ارادی نیست در صورت تلف نفس ملزم به پرداخت دیه کرده است. و بالاخره در ضمان عاقله قانونگذار در مورد قتل خطای محض و جرح بالاتر از موضعه و جنایات عمدی طفل و مجنون، عاقله را که در ارتکاب عمل نقشی نداشته به پرداخت دیه ملزم می‌سازد.

با توجه به دلایل فوق به این نتیجه می‌رسیم که نظر شارع در مورد شبه‌عمد به غیرعدوان این بوده است که به هر حال حرمت خون مسلمان بر مسطه تقصیر و یا قصور برتری دارد و دیه حتی بوسیله افراد غیرمقصر باید پرداخت شود.

### بخش دوم:

#### قتل و صدمات در حکم شبه‌عمد

قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، عنوان «در حکم شبه‌عمد» در

چگونه می‌شود طیب را که قصدی جز احسان و نیکی به بیمار نداشته در صورت عدم تقصیر ضامن خونبها بدانیم<sup>(۱)</sup> این استدلال به نظر صحیح نمی‌رسد زیرا حکم ضمان بدون تقصیر نافی قاعده احسان نیست در اینکه پزشک در انجام عمل جراحی کارنیکوئی انجام می‌دهد و این کار مورد رضای خداوند و مخلوق است و او در قبال انجام عمل نیک مأجور است شکی وجود ندارد. اما حرمت دماء مسلمین اقتضاء دارد که در صورت منتهی شدن عمل به اتلاف نفس و یا عضو، طیب ضامن باشد زیرا همانطور که در بیان برخی از فقهاء آمده است اذن در معالجه بیمار بوده نه در اتلاف به نفس یا عضو، بدیهی است طیب می‌تواند قبل از انجام عمل مریض از بیمار یا ولی او حسب مورد برائت بگیرد و چنین برائتی از نظر شرع و قانون معتبر است گذشته از اینها و دلایلی که در مورد ضمان بدون تقصیر از نظر شبه‌عمد بیان داشتیم غیر از مورد ضمان پزشک و به همان علت حرمت خون مسلمان، بعضی مواقع قانونگذار حتی کسی را که بدون هیچ قصدی موجب مرگی دیگر شده است ضامن می‌شناسد از جمله ماده ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

«هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلتیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری

(۱) - پجنوردی، سپیدمحمد - مسئولیت مدنی و کیفری پزشک - مجله قضائی دادگستری - شماره ۹ ص ۳۹.

از این جا بود که اصطلاح در حکم شبه عمد به حقوق ایران راه پیدا کرد و قانونگذار با استفاده از این رأی لازم‌الاتباع در قانون سال ۱۳۷۰ به موجب تبصره سه ماده ۲۹۵ مقرر داشت «هرگاه بر اثر بی احتیاطی، یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت نمی‌شد حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه‌عمد خواهد بود.»

با توجه به این تبصره برخلاف مورد ذکر شده در بند ب ماده ۲۹۵ (ایراد صدمه بدون عدوان) که ذکر آن رقت عنصر معنوی، خطای مرتکب، بصورت بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت مقررات مربوط به امر خاص باید اثبات گردد تا موضوع مشمول تبصره مزبور شود. در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ مواد ۱۷۴ و ۱۷۷ به قتل و صدمات بدنی غیرعمدی اختصاصاً صافته بود طبق ماده ۱۷۷ «در صورتیکه قتل غیرعمدی بواسطه بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته یا عدم رعایت نظامات دولتی واقع شود به حبس تأدیبی از یک تا سه سال محکوم خواهد شد به علاوه ممکن است مرتکب را از پنجاه الی پانصد تومان غرامت نیز محکوم کند.» و بر طبق ماده ۱۷۴ همان قانون «هرگاه

قانون وجود نداشت پس از اجرای قانون حدود و قصاص و دیات مصوب ۱۳۶۲ بین محاکم در مورد بزه قتل غیرعمد در اثر حوادث رانندگی اختلاف نظر بوجود آمد توضیح آنکه بعضی از محاکم با توجه به ضابطه «شبه‌عمد» و «خطای محض» با عنایت به اینکه در خطای محض مرتکب هم در فعل و هم در نتیجه خاطیست قتل بر اثر بی‌احتیاطی در امر رانندگی را خطای محض تلقی می‌کردند در مقابل برخی از محاکم چنین بزه‌ی را مشمول شبه‌عمد می‌دانستند چنانچه در دو پرونده مشابه نسبت به تعیین مدت پرداخت دیه بین شعب ۱۴ و ۱۶ دیوانعالی کشور اختلاف حاصل شد یکی از شعب موضوع را قتل خطای محض و مدت پرداخت را سه سال و شعبه دیگر موضوع را قتل شبه‌عمد و مدت پرداخت را دو سال شناخته و آراء دادگاههای بدوی را تأیید کرده بودند تا اینکه بر اثر طرح موضوع در هیات عمومی دیوانعالی کشور رأی شماره ۲۲ - ۸۲۰/۶۵ به شرح زیر صادر شد:

«قتل غیرعمد بر اثر بی‌احتیاطی در امر رانندگی وسیله‌نقلیه موتوری بدون داشتن پروانه از آن جهت که نوعاً تقریباً به نفس است در حکم شبه‌عمد بوده و از لحاظ پرداخت دیه مشمول بند ب ماده ۸ قانون دیات مصوب ۶۱/۴/۲۰ می‌باشد.»

حبس یا جزای نقدی محکوم می‌شود که با توجه به تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و پس از آن بند یک ماده سه قانون وصول برخی از درآمدهای دولتی مصوب ۱۳۷۴ و رأی وحدت رویه شماره ۵۴۰ - ۶۹/۸/۲۹ هیأت عمومی دیوانعالی کشور، دادگاهها بجای حبس حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال صادر می‌نمایند این نوع قتل و صدمات بدنی غیرعمدی در واقع نوعی قتل و صدمات بدنی در حکم شبه‌عمد موضوع تبصره سه ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی است که قانونگذار علاوه بر دیه مجازات دیگری را باخاطر ضرورتهای اجتماعی بر مرتکب بار کرده است.

با توجه به مواد مذکور در این مقاله نتایج زیر قابل بررسی است:

- ۱- ایراد صدمه به عمد و عدوان بدون خواست نتیجه مشمول بند «ب» ماده «۲۹۵» قانون مجازات اسلامی و شبه‌عمد محسوب است و پرداخت دیه بعهد مرتکب است
- ۲- ایراد صدمه عمدی بدون عدوان، مانند ضمان طیب و تأدیب‌کننده با توجه به ادله مربوط به حرمت خون مسلمان موجب صدور حکم به پرداخت دیه از ناحیه مرتکب می‌گردد.

به غیرعمد، جرح یا ضربی وارد آورد یا سبب وقوع آن گردد به یازده روز الی یک ماه حبس تأدیبی و به تأدیه شش الی سی تومان غرامت یا فقط به یکی از این دو مجازات محکوم خواهد شد. مگر اینکه جرح یا ضرب غیرعمدی ناشی از بی‌احتیاطی یا مخالفت با نظامات دولت باشد در این صورت مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.»

با قبول مجازات قبل و ایراد صدمات بدنی غیرعمدی در قانون ۱۳۰۴ و تطبیق آن با تبصره سه ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که در قانون سال ۱۳۰۴ مرتکب به مجازات حبس یا غرامت یا هر دوی آنها محکوم می‌شد در صورتیکه در تبصره مورد بحث تنها مرتکب به پرداخت دیه محکوم می‌گردد. در بعضی از قوانین، قانونگذار جمهوری اسلامی علاوه بر الزام مرتکب به پرداخت دیه برای او مجازات از نوع حبس یا جزای نقدی نیز در نظر گرفته است مثال بارز آن قتل و صدمات بدنی غیرعمدی بر اثر بی‌احتیاطی و بی‌مسئولیتی در رانندگی و سایش نقلیه موتوری موضوع مواد ۱۴۹ تا ۱۵۸ قانون تعزیرات است. طبق این مواد مرتکب بزه در صورت مطالبه اولیاء دم و یا مصدوم، به پرداخت دیه و مجازات از نوع



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی